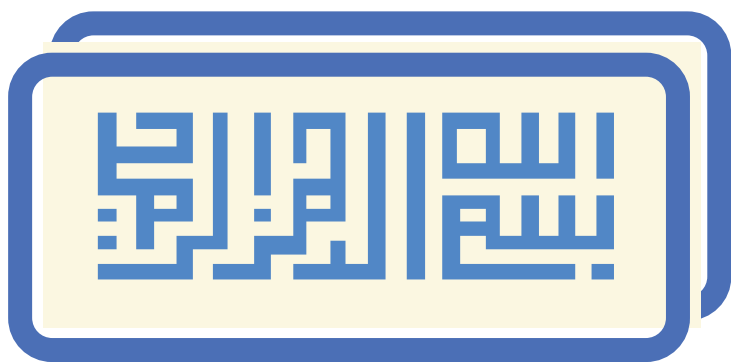






تهیه و تنظیم
بنیاد بین المسلمین دعا



دعایی است برای مولا و سرورمان امیرالمؤمنین علیه السلام در گرفتاری‌ها و فرود آمدن ناگواری‌ها و آن دعایی سریع‌الاجابة از جانب خدای بلندمرتبه است.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

خدایا تو پادشاه حقی خستی که هیچ معبودی جز تو

أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي

نیست و من بنده ای هستم که به نفسم ستم نموده و به

وَأَعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ لَا

گناه‌ها را اعتراف کردم. پس گناهانم را ببخش و هیچ معبودی

إِلَّا إِلَهُ أَنْتَ يَا غَفُورُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ

جز تو نیست ای آمرزنده! خدایا همانا من تو را ستایش



وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى مَا خَصَصْتَنِي

می‌کنم در حالی که تو برای ستایش برای آنچه که به من از

بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرِّغَائِبِ وَوَصَلَ إِلَيَّ مِنْ

بخشش‌های رغبت‌کنندگان و به من از فضیلت‌های احسان

فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ وَعَلَى مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ

اختصاص دادی و به آنچه که مرا بدان شایسته نموده و

وَتَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ وَأَنْلَتَنِي مِنْ

از رضوان خویش عهده دارم شدی و از نعمت که به من

مَنْكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ وَمِنْ الدِّفَاعِ عَنِّي

رسیده و به عنوان دفاع از من و توفیق به من و اجابت

وَالْتَوْفِيقِ لِي وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حَتَّى

دعایم به من دادی تا اینکه با تو مناجات کنم در حالی



أُنَاجِيكَ رَاغِبًا وَأَدْعُوكَ مُصَافِيًا وَحَتَّى

که به تو رغبت دارم و تو را خالصانه بخوانم و تا اینکه به تو

أَرْجُوكَ فَأَجِدَكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي

امید داشته باشم پس تو را در همه جایگاه‌ها جبران کننده

جَابِرًا وَفِي أُمُورِي نَاضِرًا وَلِذُنُوبِي غَافِرًا

و در امورم ناظر و برای گناهانم آمرزنده و برای زشتی‌هایم

وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةً

پوشاننده بیابم. خیرت لحظه‌ای از من قطع نشده از

عَيْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِبَارِ لَتَنْظُرَمَا

زمانی که مرا به منزلگاه آزمایش فرود آوردی تا اینکه ببینی

ذَا أَقْدِمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِيقُكَ **اللَّهُمَّ**

چه چیزی را برای زندگی واپسین می‌فرستم. پس من آزاد



مِنْ جَمِيعِ الْمَصَائِبِ وَاللَّوْازِبِ وَالْغُومِ

شده تو هستم ای خدا از همه ناگواری ها و سختی ها و

الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ بِمَعَارِضِ

ناراحتی هایی که ناراحتی ها در آن به من حمله کرده به

الْقَضَاءِ وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْبَلَاءِ لَا

گرفتاری های قضاء و کوشش بلای صرف شده، من جز

أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ وَلَا أَرَى مِنْكَ

زیبایی از جانب تو چیزی را ذکر نمی کنم و غیر از برتری

غَيْرَ التَّفْضِيلِ خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ

دادن چیزی را نمی بینم. خیرت برایم فراگیر و بزرگواری ات

وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَنِعْمُكَ عِنْدِي

بر من پیایی و نعمت های ت نزد من پیوسته است. فراوانی



مُتَّصِلَةٌ سَوَابِغُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي بَلْ

هایی که هوشیاری ام بر آن ها تحقق نیافت بلکه امیدم

صَدَّقَتْ رَجَائِي وَصَاحَبَتْ أَسْفَارِي

به آن ها مورد تصدیق قرار گرفت و در سفرها مرا همراهی

وَأَكْرَمَتْ أَحْضَارِي وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي

کرده و در حضرها مرا کرامت بخشیدی و بیماری هایم را

وَعَافَيْتَ أَوْصَايِي وَأَحْسَنْتَ مُنْقَلَبِي

شفا داده و دردهایم را برطرف نمودی و برگشت و سکونت مرا

وَمَثَوَايَ وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي وَرَمَيْتَ

نیکو گردانیدی و مرا مورد شماتت دشمنانم قرار ندادی و بر

مَنْ رَمَانِي وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي.

تهمت زندگان بر من و تیر انداختی به کسی که به من تیر



اللَّهُمَّ كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ

اندازی کرد و شر دشمنانم را کفایت نمودی. خدایا چه

سَيْفِ عَدَاوَتِهِ وَشَحَذَ لِقَتْلِي ظُبَةَ

بسیار دشمن که شمشیر دشمنی به رویم کشید و برای

مُدَيْتِهِ وَأَرْهَفَ لِي شَبَاحَدَهُ وَدَافَ لِي

کشتنم خنجرش را تیز کرده و دم برنده اش را برایم آماده

قَوَاتِلَ سُومِهِ وَسَدَّدَ لِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ

کرد و زهرهای کشنده اش را برایم آمیخت و تیرهای

وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ وَيُجَرِّعَنِي

نشانگیرش را به سویم نشانه رفت و قصد آزار رساندن به

ذُعَافَ مَرَارَتِهِ. فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى

من و فرو ریختن جرعه های تلخ زهر به گلویم را داشت.



ضَعْفِي عَنْ احْتِمَالِ الْفَوَاحِ وَعَجَزِي

پس تو ای خدای من به ناتوانی ام در تحمل دردهای

عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ

ناگوار که من از پیروز شدن بر کسی که به جنگ با من

وَوَحَّدَتِي فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّأَوَانِي وَأَرْصَدَ

برخاسته و تنهایی ام در بسیاری از گرفتاری ها که به

لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْإِنْتِصَارِ

من روی آورده و سر را کمین کرده در آنچه فکر من در

مِنْ مِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي يَا رَبِّ بِعَوْنِكَ

استمداد از امثال او به جایی نمی رسد، نگرستی. پس

وَشَدَّدْتَ أَيْدِي بِنَصْرِكَ ثُمَّ فَلَلْتَ لِي

از پروردگارم مرا به کمک خویش یاری نموده و نیرویم را به یاری



حَدَّهُ وَصَيَّرَتْهُ بَعْدَ جَمْعٍ عَدِيدِهِ وَحَدَّهُ

رسانی ات محکم نموده و تیغ برنده اش را بر من کند نموده

وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَرَدَدْتَهُ حَسِيراً

و او را بعد از جمع آوری افراد مختلف تنها گذاشته و مرا بر

لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ

او برتری دادی و او را در حالی که عطش درباره ی نابودی ام

غَيْظِهِ وَقَدْ غَضَّ عَلَى [عَلِيٍّ] شَوَاهُ وَآبَ

فرونشسته و سوز دلش خنک نگردیده و دست و پای خود را

مَوْلِيّاً قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ وَأُخْلِفْتُ

به دندان می گزیده، خسته و درمانده بازگرداندی. خدایا چه

آمَالُهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَى عَلَى

بسیار ستم پیشه ای که با نقشه های شومش به من ستم کرد

بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَايِدِهِ

و برای شکار کردنم دام ها فراهم نمود و همانند درنده ای که

وَأَضْبَأَ إِلَيَّ ضُبُوءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ

برای شکار گریخته اش کمین کرده به کمین من نشست تا

وَأَنْتَهَزَ فُرْصَتَهُ وَاللِّحَاقَ لِفَرِيستِهِ وَهُوَ

فرصتی را به دست آورد و به شکار خود برسد، در ظاهر خدا

مُظْهِرُ بَشَاشَةِ الْمَلِكِ وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا

را متملق شادمان نشان می داد و روی خویش را گشاده می

طَلَقًا. فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي دَغَلَ سَرِيرَتِهِ

نمود. پس ای خدای من! همین که نادرستی باطن و زشتی

وَقُبَحَ طَوِيَّتِهِ أَنْكَسَتْهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي

درونش را دیدی او را در همان چاهی که برای افکنده بود با



زُبَيْتِهِ وَأَرْكَسْتَهُ فِي مَهْوَى حَفِيرَتِهِ

سر انداختی و در گودالش او را سرنگون کردی و او را به پشت

وَأَنْكَصْتَهُ عَلَى عَقِبِهِ وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ

انداختی و با سنگ خودش او را زدی و به سرنیزه خودش او

وَنَكَّاتُهُ بِمِشْقَصِهِ وَخَنَقَتْهُ بِوَتَرِهِ

را کشتی و بازه کمان خودش جان او را گرفتی و نیرنگ او را به

وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَرَبَّقَتْهُ

خودش برگرداندی. و در بند پشیمانی خود گرفتارش نمودی

بِنَدَامَتِهِ وَاسْتَخْذَلَ وَتَضَاعَلَ بَعْدَ

تا اینکه بعد از تکبر، خوار و زبون شود و بعد از گردن کشی به

نَخْوَتِهِ وَبَجَعَ وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ

زانو آید و در همان بندی که دوست داشت مرا در آن ببیند



ذَلِيلًا مَّأْسُورًا فِي حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ

به خواری گرفتار شد. و اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود

مُحِبُّ أَنْ يَرَانِي فِيهَا وَقَدْ كِدْتُ لَوْ

که من نیز به همان بلایی دچار گردم که او بدان دچار شده

لَا رَحْمَتَكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ.

بود. پس ستایش برای پروردگار نیرومندی است که کسی

فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يَنَازِعُ وَلَوْلِيَّ ذِي

توان درگیری با او را ندارد و برای سرپرست بزرگواری است که

أَنَا لَا يَعْجَلُ وَقِيُومٍ لَا يَغْفُلُ وَحَلِيمٍ

شتاب نمی کند و برای پایداری است که غفلت نمی ورزد

لَا يَجْهَلُ نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَجِيرًا بِكَ

و برای بردباری است که جهل نمی ورزد. ای خدای من با تو



وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ مُتَوَكِّلاً عَلَى مَا

مناجات کردم در حالی که به تو پناهنده شده، به سرعت

لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي

اجابت تو اطمینان داشته، بر آنچه که از نیکویی جانبداری از

عَالِماً أَنَّهُ لَمْ يُضْطَهَدْ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ

من پیوسته می شناسم تو کل نموده، آگاه به اینکه پناهنده به

كِفَايَتِكَ وَلَا تَقْرَعُ الْقَوَارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى

سایه ی حمایت تو شکست نمی خورد و حوادث کوبنده برای

مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ فَخَلَّصْتَنِي يَا رَبِّ

کسی که به دژ کمک و یاری تو پناه آورده کارگر نمی شود. پس

بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ بَاسِهِ بِتَطَوُّلِكَ

مرا به قدرت خویش نجات بخشیدی و از گزند او به لطف و



وَمِنكَ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ سَحَائِبٍ مَكْرُوهٍ

بزرگواری خویش نجات دادی. خدایا و چه بسا ابرهایی که از

جَلَّتْهَا وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرَتْهَا وَجَدَّاهُ

گرفتاری های ناگوار پراکنده ساختی و آسمان همچنین که

كَرَامَةٍ أَجْرِيَّتْهَا وَأَعْيُنُ أَجْدَاثٍ طَمَسَتْهَا

فرو باریدی و نهرهایی از بزرگواری که روان ساختی و چشمه

وَنَاشِي رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا وَغَوَاشِي كُرْبٍ

های حادثه ها که پر کرده و مانع رسیدن آن ها به من شدی

فَرَجَتْهَا وَغَمٍّ بَلَاءٍ كَشَفَتْهَا وَجُنَّةٍ

و لکه های غصه که برطرف کردی و اندوه های بلا که از من

عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا وَأُمُورٍ حَادِثَةٍ قَدَّرَتْهَا لَمْ

زودودی و زره های تندرستی که پوشاندی و پیشامد های



تُعْجِزُكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ

جدیدی که مقدر نمودی، هرگاه آن‌ها را خواستی از طلب

أَرَدْتَهَا. **اللَّهُمَّ** وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ سُوءِ

آنها در نماندی پس هرگاه آنها را اراده نمودی چیزی مانع آن

تَوَلَّيْنِي بِحَسَدِهِ وَسَلَّقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ

نشد. خدایا چه بسیار حسود بد طینتی که مرا مورد حسادت

وَوَخَزَنِي بِغَرَبِ عَيْنِهِ وَجَعَلَ عِرْضِي

قرار داد و با زبان تیزش مرا ناراحت کرد و با گوشه چشمش بر

غَرَضاً لِمَرَامِيهِ وَقَلَّدَنِي خِلَالاً لَمْ تَزَلْ

بدنم تیرزد و آبرویم را هدف تیرهای خود قرار داد و کارهایی را

فِيهِ كَفَيْتَنِي أَمْرَهُ. **اللَّهُمَّ** وَكَمْ مِنْ

به گردنم انداخت که تو همواره آن‌ها را از من کفایت نمودی.



ظَنِّ حَسَنِ حَقَّقْتَ وَعُدْمِ إِمْلَاقٍ

خدایا! چه بسیار خوش گمانی که حق نمودی و نداری

ضَرَّنِي جَبَرْتَ وَأَوْسَعْتَ وَمِنْ صَرْعَةٍ

که جبران نموده و توسعه دادی سقوطی که رآن ها برابر

أَقَمْتَ وَمِنْ كُرْبَةٍ نَقَّسْتَ وَمِنْ

پا داشتی و بیچارگی هایی که بر طرف ساختی و نعمت

مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ وَمِنْ نِعْمَةٍ خَوَّلْتَ

هایی که عطا بخشیدی ز آنچه که انجام می دهی باز

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَلَا بِمَا أُعْطِيتَ

خواست نمی شوی و در آنچه بخشیدی بخل نمی ورزی

تَبْخَلُ وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَبَذَلْتَ وَلَمْ تُسْأَلْ

و به تحقیق مورد درخواست قرار می گیری پس می بخشی



فَابْتَدَأَتْ وَاسْتُمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا

و و مورد درخواست قرار نمی گیری و آغاز نمودی و فزون

أَكْدَيْتَ أَبَيْتَ إِلَّا إِنْْعَاماً وَامْتِنَاناً

بخشی ات درخواست می شود و تو دریغ نمی ورزی بر چه

وَتَطَوُّلاً وَأَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّماً عَلَى

انجام دهی از روی نعمت بخشی و منت گزاری است من

مَعَاصِيكَ وَأَنْتِهَاكَ الْحُرْمَاتُ

در برابر آن جز فرو رفتن در گناهان پرده دری در محرمات و

وَتَعْدِيّاً لِحُدُودِكَ وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ

تعدیکردن به حدودت و غفلت ورزی از تهدیدت و پیروی

وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوكَ لَمْ تَمْتَنِعْ عَنْ

از دشمن خودم و دشمنت اری انجام ندادم با این حال



إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَتَتَابُعِ امْتِنَانِكَ وَلَمْ

تکمیل احسانت را از من و پیوستگی منت بخشی ات باز

يَحْجُزْنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ.

نداشت و همین امور نیز سبب بازدارندگی ام از ارتکاب

اللَّهُمَّ فَهَذَا مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ

آنچه که خشم تو را به همراه دارد نگرديد. خدایا این جایگاه

بِالتَّقْصِيرِ عَنْ أَدَاءِ حَقِّكَ الشَّاهِدِ

اعتراف کننده به محضر توست به کوتاهی در ادای حقت

عَلَى نَفْسِهِ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ وَحُسْنِ

که گواه بر نفس خویش است برای و ریختن نعمت از سوی

كِفَايَتِكَ فَهَبْ لِي اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا

تو و نیکویی فایت نمودنت. پس برایم ببخش ای خدا ای



أَصِلْ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَاتَّخِذْهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ

معبودم آنچه که بدان به رحمت تو برسم و نردبانی قرار دهم

فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَأَمِنْ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ

که بدین وسیله به خشنودی ات بالا روم و از عقابت ایمن

فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ

شوم. همانا هر چه را بخواهی انجام می دهی و به هر چه

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. **اللَّهُمَّ**

اراده کنی حکم می نمایی در حالی که تو بر هر چیز توانایی.

حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ وَثَنَائِي عَلَيْكَ

خدایا! پس ستایشم برای تو پیوسته و پابرجاست و تمجید

دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِأَلْوَانٍ

گویی ام بر تو همیشگی از این جهان تا آن جهان به شکل



التَّسْبِيحُ وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ خَالِصاً

های گوناگون منزه گویی و انواع متفاوت تقدیس گویی

لِذِكْرِكَ وَمَرْضِيّاً لَكَ بِنَاصِيعِ التَّوْحِيدِ

است در حالی که یاد تو را خالصانه به همراه دارم و خشنودی

وَمَحْضِ التَّحْمِيدِ وَطُولِ التَّعْدِيدِ فِي

تو را به جهت ستایش گویی خیرخواهانه و صرف تمجید

إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْذِيدِ لَمْ تُعَنْ فِي

گویی و طولانی بودن در مورد آشکار ساختن دروغ مشرکان

شَيْءٍ مِنْ قُدْرَتِكَ وَلَمْ تُشَارِكْ فِي

به همراه دارم. در قدرت خویش مورد کمک قرار نمی گیری

إِلَهِيَّتِكَ وَلَمْ تُعَايِنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ

و در خدایی ات شریکی برایت نیست و به هنگامی که



عَلَى الْغَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَفَطَرَتْ

موجودات را بر اساس غریزه های متفاوت پئیئ آوردی و

الْخَلَائِقَ عَلَى صُنُوفِ الْهَيَّاتِ

آفریدگان را بر اساس صورتهای گوناگون پدید آوردی ، مورد

وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامَ حُجُبِ الْغُيُوبِ

مشاهده قرار نگرفتی و پندارها توان شکافتن پرده های

إِلَيْكَ فَأَعْتَقَدْتُ مِنْكَ مَحْمُوداً فِي

ناپیدای تو را برای رسیدن به تو ندارند تا بتوانند به اندازه ای

عَظَمَتِكَ وَلَا كَيْفِيَّةَ فِي أَزَلِيَّتِكَ

محدود به عظمت تو اعتقاد پیدا کند و نه به کیفیت در

وَلَا مُمْكِناً فِي قَدَمِكَ وَلَا يَبْلُغُكَ بُعْدُ

همیشگی بودند و نه به امکان قدیم بودند توانایی فهم



الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِطَنِ

ندارند و همتهای دور اندیش به درک حقیقت تو نمی رسند

وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظْرُ النََّاظِرِينَ فِي مَجْدٍ

و هوش های ژرف اندیش به تو دست نیابند و دیدگان

جَبْرُوتِكَ وَعَظِيمِ قُدْرَتِكَ ارْتَفَعَتْ

دیدبانان رشکوه جبروت تو بزرگی قدرت تو به پایان نمی

عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَةُ قُدْرَتِكَ

رسد. توصیف قدرت تو از توصیف آفریدگانت بالاتر و

وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ

بزرگی عظمت از آن بالاتر است و آنچه را که زیادتى آن را

وَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزْدَادَ وَلَا يَزْدَادُ

اراده نمودی کم نمی شود و آنچه را که کمی آن را اراده نمودی



مَا أَرَدْتُ أَنْ يَنْتَقِصَ وَلَا أَحَدٌ شَهْدَكَ

زیاد نمی شود و هیچ کسی شاهد و ناظر بر پدید آوردن

حِينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ وَلَا ضِدُّ حَضْرَكَ

مخلوقات نبوده و هیچ همانندی به هنگام پدید آوردن

حِينَ بَرَأَتِ النُّفُوسَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ

نفس ها در پیشگاهت حاضر نبوده است. زبانها از شرح

عَنْ تَبَيِّنِ صِفَتِكَ وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ

صفت تو ناتوان و عقل ها از درک عمق شناخت در

عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ وَكَيْفَ تُدْرِكُكَ

حیرت هستند و چگونه توصیف اینان به حقیقت تو

الصِّفَاتُ أَوْ تَحْوِيكَ الْجِهَاتُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ

برسد یا جهت ها و حدود تو را در برگیرد و حال آنکه تو



الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا دَائِمًا فِي

همان حکفرمای پاکیزه ای هستی که همیشه بوده و

الْغُيُوبِ وَحَدَّكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ وَلَمْ

هستی و همواره در پرده های غیب حاضر هستی تنهایی

يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ حَارَتْ فِي مَلَكُوتِكَ

هستی که غیر از تو در آن عوالم نبوده است و برای آن

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ وَحَسَرَ عَنْ

غیبهای غیر از تو چیزی نیست. راه های عمیق فکری در

إِدْرَاكِكَ بَصَرُ الْبَصِيرِ وَتَوَاضَعَتْ

درک ملکوت تو حیران مانده و چشمان بینندگان از درک

الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ

تو به حسرت نگریسته و پادشاهان برای هیبت تو فروتنی



الإِسْتِكَانَةُ لِعِزَّتِكَ وَانْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ

نموده و صئرتها برای عزت تو به خواری خاضع شده و هر

لِعَظَمَتِكَ وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ

چیزی برای بزرگی تو فرمانبردار شده و هر چیزی برای

لِقُدْرَتِكَ وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِسُلْطَانِكَ

قدرت تو تسلیم شده و گردنها برای پادشاهی تو فروتن

فَضْلًا هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ

شده و در اینجا تدبیر و اندیشه در توصیف تو گم گشته

الصِّفَاتِ لَكَ فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ

است. هر که در این باره تفکر نمود دیدگانش خسته و

طَرَفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا وَعَقْلُهُ مَبْهُوتًا

عقلش مبهوت و مغلوب گشت و فکرش حیران ماند.



مَبْهُورًا وَفَكَرُهُ مُتَحَيِّرًا. اللَّهُمَّ فَلَكَ

خدایا پس ستایش گسترده پیایی پیوسته به هم بسته

الْحَمْدُ حَمْدًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَّسِقًا

شده که همیشگی است و و زوال ناپذیر است برای

مُسْتَوْسِقًا يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ

توست که ر ملکوت گم نمی شود و ر جهان از بین

فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ

نمی رود و در عالم عرفان کم نمی شود و ستایش برای

وَلَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ فَلَكَ الْحَمْدُ

توست که خوبی هایش قابل شمارش نیست در شب

حَمْدًا لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا دُبَرَ

زمانی که پشت کرده و در صبح زمانی که پرده بر گیرد



وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و در خشکی و دریا و صبحگاهان و شامگاهان و در

وَبِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ

شب و بامداد و ظهر و سحرگاهان. خدایا! به توفیق تو

وَالظَّهِيرَةِ وَالْأَسْحَارِ. **اللَّهُمَّ** بِتَوْفِيقِكَ

نجات را برایم حاضر نمودی و از جانب خویش مرا در

أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

ولایت عصمت قرار دادی و بالاتر از طاقتم مرا مکلف

وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي

نمودی در زمانی که از من جز به فرمانبرداریم راضی

إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا بِطَاعَتِي فَلَيْسَ

نشده بودی س این شکرگزاری من هر اندازه که با زبان



شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ

برای ادای آن بکوشم و به هر مقدار که برای آن تلاش کنم

وَبَالِغْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ

حق تو را ادا نکند فضل و کرم تو را تلافی نکند زیرا تو

حَقِّكَ وَلَا مُكَافٍ فَضْلَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ

خدایی هستی که هیچ کعبودی جز تو نیست هیچ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ عَنْكَ غَائِبَةٌ

نادیده ای از نگاهت پنهان نماند و هیچ پنهانی نزد تو

وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَلَا تَضِلُّ لَكَ فِي

مخفی نماند و هیچ گمشده ای در تاریکی های پنهان از

ظُلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا

دید تو گم نشود همانا امر تو به گونه ای است که هرگاه



أَرَدْتُ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

چیزی را اراده نمایی بگویی باش موجود می شود.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ

خدایا! ستایش برای توست همانند ستایشی که خود بیان

نَفْسَكَ وَحَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَمَجَّدَكَ

کردی و چندین برابر آنچه که ستایش کنندگان او را ستایش

بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ

کردند و تسبیح کنندگان بدان تو را منزّه دانستند و تمجید

وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ حَتَّى يَكُونَ لَكَ

کنندگان تو را تمجید کردند و تکبیر گویان تو را بدان بزرگ

مِنِّي وَحَدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَأَقْلَّ

شمردند و تعظیم کنندگان تو را بدان به عظمت یاد کردند تا

مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ

بدانجا که تنها من تو را ستایش کنم در یک چشم بر هم

وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ وَتَقْدِيرِ

زدنی و کمتر از آن اند ستایش همه ستایش کنندگان و

أَحْبَائِكَ الْعَارِفِينَ وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ

یکتا پرستی همه مخلصان و پاک شماری دوستان آشنا به

وَمِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ وَمَحْمُودٌ بِهِ

تو و ثنا گویی همه تهلیل گویان به مقدار آنچه که تو بدان

مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ وَالْجَمَادِ

آگاه هستی و مورد پسند توست همه آفریدگانت از حیوانات

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا

و جمادات، و به سوی تو میل پیدا می کنم خدایا در شکر



أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا

گزاری آنچه که مرا بدان به سخن در آوردی از ستایشت. به

كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي

راستی چقدر آسان نمودی آنچه را که مرا در این زمینه بدان

عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً

مكلف ساختی و چه پاداش بزرگی در این باره به من وعده

وَطَوَّلاً وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً

دادی. نعمت بخشی را از جهت بزرگواری و عنایت بر من آغاز

وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً

نمودی و شکرگزاری را به عنوان حق و عدالت به من آموختی و

وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَامْتِحَاناً

برای آن وعده های فراوان و زیاد دادی و از رزقت به من به عنوان

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ قَرْضاً يَسِيراً صَغِيراً

اعتبار بخشی و آزمایش عطا فرمودی و درباره آن مقدار واجب

وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً وَعَطَاءً

کم و آسانی را بازخواست نمودی و برای آن نیز پاداش بسیاری را

كَثِيراً وَعَافَيْتَنِي مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ

عطا فرمودی و مرا از سختی بلا سلامت داشتی و بدست بلای

تُسَلِّمَنِي لِلْشُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ وَمَنْحَتَنِي

بد خود نسپردی و سلامتی را به من بخشیدی و مرا با گشایش و

الْعَافِيَةَ وَأَوْلَيْتَنِي بِالْبَسْطَةِ وَالرِّخَاءِ

فراوانی سرپرستی نمودی و فضل خویش را بر من چندین برابر

وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي

کردی همراه با آنچه که به من وعده دادی بدان از جایگاه با



بِهِ مِنَ الْمَحَلَّةِ الشَّرِيفَةِ وَبَشَّرْتَنِي بِهِ

شرافت خویش و مرابدان بشارت نمودی از درجه والا و بالا و مرا

مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمَنِيعَةِ

برگزیدی در دین بهترین پیامبران از جهت دعوت بندگان و

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً

برترین ایشان از جهت شفاعت حضرت محمد درود خدا بر او

وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ} . اللَّهُمَّ

و خاندانش باد. خدایا! پیامرز از من گناهی را که جز

اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ

آمرزش تو آن را فرا نگیرد و جز گذشت چیزی آن را

وَلَا يَمَحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي

محو نکند. ببخش به من در این روز و در این ساعت



هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ يَقِيناً يُهَوِّنُ عَلَيَّ

آنچنان یقینی که پیش آمدهای ناگوار دنیا و

مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا وَيُشَوِّقُنِي

اندوه هایش را بر من آسان کند و مرا بدان چه از پاداش

إِلَيْكَ وَيُرْغِبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ وَاكْتُبْ

که در نزد تو است مشتاق و راغب گرداند و آمرزش را

لِي الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ وَارْزُقْنِي

بر من ثبت فرما به کرامت و بزرگواری برسان.

شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ . فَإِنَّكَ أَنْتَ

سپاسگزاری از آن نعمت ها را که به من داده ای

اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ

روزی ام فرما که تو آن خدای یکتای بلند مرتبه به وجود



السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

آورنده نوآفرین شنوای دانایی که فرمانت جلوگیری ندارد

مَدْفَعٌ وَلَا عَن قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ وَأَشْهَدُ

و از قضا و حکمت هیچ موجودی خودداری نتواند.

أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ

گواهی می‌دهم که به راستی تو خدا و پروردگار من و

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ

پروردگار هر چیز خالق آسمان‌ها و زمین دانای غیب

وَالشَّهَادَةِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ. **اللَّهُمَّ**

و شهود آن والای بزرگ بلند مرتبه‌ای. خدایا! ز تو

إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ

می‌خواهم پایداری در کار دین، تصمیم در رشد و هدایت



فِي الرُّشْدِ وَإِلْهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ

الهام سپاسگزاری در برابر نعمت و به تو از ستم هر

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ وَبَغْيٍ

ستمگر و ظلم هر ظالم و حسد هر حسود پناه می برم.

كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدٍ كُلِّ حَاسِدٍ. **اللَّهُمَّ**

خدایا! به نیروی تو بر دشمنان حمله کنم از تو امید

بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَإِيَّاكَ أَرْجُو

دوستی دوستان را دارم گذشته از آن بهره‌هایی که از فضل

وَلَايَةِ الْأَحِبَّاءِ وَمَعَ مَا لَا أُسْتَطِيعُ

تو نصیبم گشته اقسام احسان و انواع روزی تو که به من

إِحْصَاءُهُ مِنْ فَوَائِدِ فَضْلِكَ وَأَصْنَافِ

رسیده و من شماره آنها را نتوانم انجام دهم. پس به راستی



رِفْدِكَ وَأَنْوَاعِ رِزْقِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ **اللَّهُ** لَا

تو آن خدایی که معبودی جز تو نیست و در میان خلق

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ

ستایش تو آشکار و به جود و کرم دستت گشاده است،

الْبَاسِطُ بِالْحَقِّ يَدُكَ لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

کسی در فرمانت با تو ضدیت نتواند در پادشاهی‌ات

وَلَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُرَاجَعُ فِي أَمْرِكَ

ستیز جویی نباشد و در دستورت بازگشت وجود ندارد.

تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْامِ مَا شِئْتَ وَلَا يَمْلِكُونَ

از مردمان هرچه را خواهی مالک شوی و جز به خواست

إِلَّا مَا تُرِيدُ. **اللَّهُمَّ** أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ

تو کسی مالک چیزی نگردد. تو نعمت دهنده فزون بخش



الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ

آفریدگار پدیدآورنده توانا مسلط منزّه در نور قدس هستی

تَرَدَّيْتَ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ وَتَعَظَّمْتَ

ردای عزت و شوکت و بلندی در بر کردی و به قدرت و

بِالْقُدْرَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَغَشَّيْتَ النُّورَ

کبریا بزرگی گرفتی و نور خویش را به بهاء پوشاندی و بها

بِالْبَهَاءِ وَجَلَلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَةِ. **اللَّهُمَّ**

را به مهابت مستور داشتی. خدایا! تو را است ستایش

لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَالْمَنْ الْقَدِيمُ

عظیم نعمت دیرینه پادشاهی بلند کرم فراخمند

وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْحَوْلُ الْوَاسِعُ

نیروی ثابت حمدی پی در پی که به سپاسگزاری



وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ وَالْحَمْدُ الْمُتَابِعُ الَّذِي

همیشگی پایان نپذیرد و هیچگاه سپری نشود به

لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا

خاطر آنکه مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی شنوا

إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ

مینا سالم درست و تندرستم ساختی، مرا نه به

وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا

نقصانی در بدن و نه به آفتی در اعضا و جوارح و نه

مُعَافَى لَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي

به دردی در جان و عقل سرگرم ننمودی، بزرگواری و

وَلَا بَاقَةَ فِي جَوَارِحِي وَلَا عَاهَةَ فِي نَفْسِي

خوش رفتاری فزون بخشی نعمت‌های مانع آن

وَلَا فِي عَقْلِي وَلَمْ يَمْنَعَكَ كَرَامَتُكَ

نشد که باز هم در دنیا بر من توسعه دهی و مرا بر

إِيَّايَ وَحُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي وَفَضْلُ

بسیاری از مردم دنیا برتری دهی و شنوایم ساختی تا

نَعْمَائِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا

آنچه که بدان مکلف هم ساختی را بشنوم بینایم

وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا

کردی تا قدرت را در آنچه که بر من آشکار گشته

تَفْضِيلاً وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً أَعْيَ مَا

است بینم مراعاتم را کرده و دلی را در تنم به ودیعت

كَلَّفْتَنِي بَصِيراً أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ

نهادی که به بزرگواریت گواهی دهد و زبانی که بر



لِي وَاسْتَرْعَيْتَنِي وَاسْتَوْدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ

یکتاپرستی ات گویا باشد چون که من کرم و فضل تو

لِعَظَمَتِكَ وَلِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ فَإِنِّي

را ستایش کنم توفیق تو را به کوشش خود سپاسگزارم

لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ وَلِتَوْفِيقِكَ إِنِّي

و به حق تو گواهم در پیشامدهای سخت و مهمات

بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ وَإِلَيْكَ

کار خود به درگاه تو روی زاری و خواری نهم چون که

فِي مُلَمِّي وَمُهِمِّي ضَارِعٌ لِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ

تویی زنده پیش از هر زنده زنده پس از هر مرده

كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ وَحَيٌّ تَرِثُ

زنده ای که زمین و هرچه بر آن است همه را ارث بری



الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ.

و تو بهترین ارث برندگان. خدایا! خیر خود را در هیچ

اللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ

چشم بر هم زدن از من قطع مفرما، شکنجه‌های خشم

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقَمِ وَلَمْ تُغَيِّرْ

خود را بر من مبار، نعمت‌های خود را بر من دگرگون

مَا بِي مِنَ النِّعَمِ وَلَا أَخْلَيْتَنِي مِنْ وَثِيقٍ

مساز، مرا از تمسک به رشته‌های محکم و گذشتت را از

الْعِصْمِ فَلَوْلَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ

گناهانم و استجابت دعایم را در وقتی که سرم را به

وَأَنْعَامِكَ عَلَيَّ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي وَالْإِسْتِجَابَةَ

ستایش و تمجید تو بلند کنم مرا کافیت که پیوسته تو



لِدُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ

را سپاس گویم. خدایا! اگر بهره مرا در تقدیر خود بیفزایی

وَتَمْجِيدِكَ لِأَنِّي تَقْدِيرِكَ جَزِيلٌ حَظِّي

از دارایی تو چیزی کم نشود و وقتی روزی ام را در وقت

حِينَ وَفَّرْتَهُ انْتَقَصَ مُلْكُكَ وَلَا فِي قِسْمَةِ

قسمت ارزاق تنگ مقرر داری به دارایی ات افزوده نگردد.

الْأَرْزَاقِ حِينَ قَتَرْتَ عَلَيَّ تَوْفِيرُ مُلْكِكَ.

خدایا! تو را ستایش به اندازه آنچه دانشت بدان احاطه دارد

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

به تعداد هر چه قدرت آن را درک کند و به تعداد آنچه که

وَعَدَدَ مَا أَدْرَكَهُ قُدْرَتُكَ وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ

رحمت آن را فرا گیرد و چندین برابر همه این ها که گفتم،



رَحْمَتِكَ وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُفْلِهِ حَمْدًا

ستایشی پیوسته پی در پی و هم وزن با نعمت‌ها و

وَاصِلًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا لِإِلَائِكَ وَأَسْمَائِكَ.

نام‌هایت. خدایا! احسانی را که بر من کرده‌ای در باقی

اللَّهُمَّ فَتِمِّمْ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ

مانده عمرم نیز کامل گردان چنانچه در گذشته عمرم

مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنْهُ

به من احسان فرموده‌ای چون که من به وسیله

فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ

یکتاپرستی‌ات و تهلیل و تمجید و تکبیر و تعظیم تو

وَتَهْلِيلِكَ وَتَمَجِيدِكَ وَتَكْبِيرِكَ

به درگاه تو توسل جویم و از تو خواهم به حق آن نامت



وَتَعْظِيمِكَ [وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

که آن را از آنها آفریده ای و جز به نزد خود به نزد شخص

خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا

دیگری نرود، از تو خواهم به حق نامت آن روح پنهان

إِلَيْكَ] وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرُّوحَ الْمَكْنُونِ

در گنجینه آن زنده زنده بدن نام و بدان نام و

الْحَيِّ الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ وَبِكَ وَبِكَ

بدان نام به حق ذات خودت به حق خودت و به حق

وَبِكَ إِلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَفَوَائِدَ

خودت که مرا از عطای خود و بهره های کرم و

كَرَامَتِكَ وَلَا تُؤَلِّني غَيْرَكَ وَلَا تُسَلِّمَنِي

بزرگواریت محروم مفرمایی، کارم را به دیگری جز

إِلَى عَدُوِّي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَأَحْسِنُ

خودت واگذار ننمایی، به دست دشمنم مسپاری،

إِلَيَّ أَتَمُّ الْإِحْسَانِ عَاجِلًا وَآجِلًا وَحَسَنُ

مرا به خودم وا مگذاری کامل‌ترین احسان را در آینده

فِي الْعَاجِلَةِ عَمَلِي وَبَلَّغَنِي فِيهَا أَمَلِي

و نزدیک به من بفرمایی، کردارم را در دنیا نیکو گردان

وَفِي الْأَجَلَةِ وَالْخَيْرَ فِي مُنْقَلَبِي فَإِنَّهُ

و به آرزویم در این دنیا و در آن سرای برسان، خیر و

لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ بِهِ فَضْلُكَ

خوبی را در بازگشتگاهم قرار ده، زیرا به هر اندازه هم

وَسَيِّبُ الْعَطَايَا مِنْ مَنِّكَ وَلَا يَنْقُصُ

که فضل و کرم تو بر بندگان فرو بارد و از نعمت



جُودَكَ تَقْصِيرِي فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

هایت بر آنها عطا شود و را نیازمند و فقیر نگرداند و

وَلَا تُجْمُ خَزَائِنَ نِعْمَتِكَ النِّعَمُ

کوتاهی کردن من در سپاسگزاری از نعمت از جود و

وَلَا يَنْقُصُ عَظِيمَ مَوَاهِبِكَ مِنْ سَعَتِكَ

بخشش تو کم نکند بسیاری نعمت خزینه‌های

الْإِعْطَاءُ وَلَا يُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ

نعمت تو را زیاد نکند و دهش‌های بزرگ از فراخ

الْفَاضِلِ الْجَلِيلِ مِنْحُكَ وَلَا تَخَافُ

بخشش‌ات نکاهد عطاى نافذ و زیبایت در کرم عظیم

ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْدِي وَلَا يُلْحَقُكَ

و فزون و شکوهمندت تأثیر نکند از تنگدستی بیم



خَوْفٌ عُدْمٍ فَيَنْقُصَ فَيُضْ مُلْكُكَ

نداری تا بخل ورزی و از نداری ترس نداری تا فیض

وَفَضْلِكَ. **اللَّهُمَّ** ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا

دارایی و کرمیت کاهش یابد. خدایا! دلی ترسان و یقینی

وَيَقِينًا صَادِقًا وَبِالْحَقِّ صَادِعًا وَلَا تُؤْمِنِي

راست و درست که گویای به حق باشد روزی ما گردان، از

مَكْرُكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي

مکر خویش ما را مطمئن منما ذکر خودت را از یاد ما مبر

سِرِّكَ وَلَا تُؤَلِّني غَيْرَكَ وَلَا تُقَنِّطْنِي مِنْ

پرده ات را از من مدر، کار مرا به دیگری جز خودت و امگذار

رَحْمَتِكَ بَلْ تَغْمَدْنِي بِفَوَائِدِكَ

را از رحمت خویش مأیوس مکن، بلکه مرا به بهره های خود



وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ عَوَائِدِكَ وَكُنْ لِي فِي

پیوشان توجهات نیکویت را از من دریغ مدار رهرو حشتی

كُلِّ وَحْشَةٍ أُنِيساً وَفِي كُلِّ جَزَعٍ

همدم من باش در هر بی‌تابی پناه‌گام باش از هر پیشامد

حَصِيناً وَمِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ غِيَاثاً وَنَجْنِي

هلاکت باری فریاد رسم باش و مرا از هر بلا و خطایی برهان،

مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَأَعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ

از هر لغزشی نگاهم دار بهره‌های خود را بر من کامل گردان

زَلَلٍ وَخَطَإٍ وَتَمِّمْ لِي فَوَائِدَكَ وَقِنِي

از تهدیدات مرا محفوظ دار عذاب دردناکت و بلای

وَعِيدَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عَذَابِكَ

هلاکت بارت را از من بگردان شرافت حفظ کتابت را



وَتَدْمِيرَ تَنكِيلِكَ وَشَرِّفَنِي بِحِفْظِ

نصیب من فرما، کار خودم و دین و مذهبم دنیا و آخرتم و

كِتَابِكَ وَأَصْلِحْ لِي دِينِي وَدُنْيَايَ

خانواده و فرزندانم را اصلاح فرما، روزی ام را فراخ گردان و بر

وَأَخِرَتِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَوَسِّعْ رِزْقِي وَأَدِرَّهُ

من فرو بیار و به من رو کن و از من روی مگردان که به راستی

عَلَيَّ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي.

تو خلف وعده نمی کنی. خدایا! مرا بلند کن و پستم مکن

اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي وَارْحَمْنِي

مرا مورد مهر خویش قرار ده و عذابم مکن یاریم ده و خوارم

وَلَا تُعَذِّبْنِي وَانصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَآثِرْنِي

منما مرا برگزین و زبردست دیگران قرار مده در کارم گشایش



وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْرًا

و بر آیشی قرار ده، دعایم را زود اجابت کن و از این گرفتاری

وَفَرَجًا وَعَجِّلْ إِجَابَتِي وَاسْتَنْقِذْنِي مِمَّا

که به من رسیده نجاتم ده که به راستی تو بر هر چیزی

قَدْ نَزَلَ بِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

توانایی و این کار برای آسان است و تو بخشنده بزرگوار

وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

هستی.



بنياد بين المللي دُعا
مؤسسة الدعاء العالمية
Dua International Foundation



<https://bonyadeddoa.com>